

## ضرب‌المثل‌های جهان

### تنور از راه دهانش گرم می‌شود.

برزیلی

## زنگ انشا



## فارسی را پاسی بداریم

### هدایت باقری

یکی از روحانیون در حال سخنرانی، متوجه شد که امام‌جمعه محترم یکی از شهرستان‌ها نیز با هیئت همراهش، وارد مجلس شدند. برای ادای احترام و رعایت ادب، گفت: مقدم نماینده معزز ولی‌فقیه و امام‌جمعه شهرستان... نیز که به شهر ما مشرف شده‌اند؛ گرامی می‌دارم.

وقتی که از منبر فرود آمد، نظر مرا دربارہ چندوچون و محتوای سخنرانی‌اش، جویا شد. خدمتشان عرض کردم: «اگر کسی برای زیارت به عتبات عالیات و بقیع متبرکه برود، بهتر است به‌جای استفاده از مشقات «مصدر» رفتن «به گونه مؤدبانه بگویم»: فلائی به مکه معظمه یا مدینه منوره، مشرف شده است. شهر شما که در شمار بلاد مقدس نیست! چرا برای ابراز آمدن امام‌جمعه به شهرتان از عبارت فعلی «مشرف شدند» استفاده کردید؟! در کمال متانت، کاربرد درست و مؤدبانه عبارت را جویا شد. گفتم: «اگر قصد رعایت ادب داشتید، باید از فعل «تشریف‌فرما شدند یا تشریف آوردند» استفاده می‌کردید. یا به عرض رساندم. می‌گفتید: آمدند یا آمد. «مگر آن‌که قصد شوخی یا خدای‌ناکرده بی‌حرمتی داشته باشید.» چراکه مشرف شدند، یعنی شرف و آبرو پیدا کردند؛ یعنی، شهر شما به ایشان شرف و آبرو بخشیده است. درحالی‌که شما هرگز چنین قصد و غرضی نداشتید.

یادش به خیر، با یکی از مدیران ارشد استان، در جبهه هم‌سنگر بودیم. ایشان خیلی اشتباهی سخنرانی داشتند و در اغلب سخن‌رانی‌هایشان به سخنان رئیس‌جمهور وقت ایران، استاد می‌کردند و مکرراً می‌گفتند: «آقای



درست واژگان فارسی و رعایت شیوه‌های درست گفتن و درست نوشتن است؛ اما دریغ که بی‌مبالایی‌های فراوانی می‌شود و به زبان شیرین فارسی هر دم، جفاهای درشت و زمخت روا می‌دارند و گوش شتوایی هم نیست!

کاش تدریس کتاب «فارسی شکر است» جمائزاده در مدارس و دانشگاه‌های ما الزامی می‌شد. اگر قلم‌به‌دست بگیریم و آنچه را که از صدا یا سیما می‌شنویم یا می‌خوانیم، از منظر گفتار و نوشتار و املا و نگارش، ویرایش کنیم؛ خواهیم دید که سهل‌انگاری‌ها فراوانند. از استاد ملک‌الشعراى بهار پرسیدند: نظراتان در مورد کاربرد واژگانی چون خوبیت چیست؟ ایشان فرمودند: عین خیریت است. معنی ظاهری جواب استاد بهار، این است که واژه‌ی خوب نیز مانند واژه خر فارسی است و درست نیست که پسوند مصدر جعلی عربی (پت) بگیرد؛ زیرا این پسوند مخصوص واژگان عربی مانند مدیریت، قاطعیت، حاکمیت و... است. پس استعمال واژگانی چون رهبریت، دویت، آشنابیت و... غلط است؛ اما استاد بهار، با پوشیدگی و تعریض، از شیوه طنز و مطایبه استفاده کرده تا علاوه بر کاربرد درست واژه، لبخند ملیحی نیز بر لبان پرسشگران بنشانند.

پس برای آن‌که تلخی طنز استاد بهار، کام و زبانمان را نرنجاند، بیاید تا «فارسی را پاس بداریم.» از این‌که دانش‌آموزان نویسنده صفحه زنگ انشا، با شیوه‌های نگارش و ویرایش آشنابند و در نوشته‌های خود با چیرگی و برتری، آن را به کار می‌بندند، خرسند و مباهم.

## پدر

وظیفه‌دارم که تازندهام برای عزت و افتخار به ارمغان بیاورم و اگر خدای‌ناکرده پس از صدها سال در میان ما نباشی، روح را تا رستاخیز از خود و عملکردم شاد و خرسند نگاه دارم.

بزرگ‌ترین لطف خداوند این بود که خواست تو باغبان باغچه خانواده‌مان باشی. نگرانی‌هایت را برای رسیدگی به این باغچه می‌ستایم.

مرا ببخش از این‌که هنوز علم شناخت تو را نیاموخته‌ام و قدرتان تو که بزرگ‌ترین ثروت مادی و معنوی منی، نیستیم. دلم گرفته است که چرا این‌قدر زود دیر شد و نخستین قدم‌هایی را که به من یاد دادی، فراموش کردم؟

دروغ چرا، خیلی دیر تو را فهمیدم؛ خیلی سخت بود که کسی را درک کنم که این‌قدر دوست دارد و فکر و ذکرش هستم. پدرم تو سرآغاز زندگی و رگ حیات‌بخش وجود خانواده‌مان، تو روح زندگی، تو سرچشمه زلال مهربانی، تو مرد خستگی‌ناپذیر سختی‌ها و تو قهرمان تمام‌روژه‌های زندگی‌ام هستی. با تمام وجود دوست دارم و مطمئن باش که تا ابد در قلبم می‌مانی ای بهترین.



آرین بیات‌پور پایه یازدهم تجربی مجتمع آموزشی غیردولتی امام رضا(ع)، ناحیه یک شیراز

آن لحظه شوم ترا به قربان پدر جان، من با تمام وجود گوش‌به‌فرمان تو هستم. از من چه می‌خواهی؟ دوست دارم که در آینده چه‌کاره باشم؟ من می‌خواهم عصبی پیری‌ات شوم. برای آن‌که عصبی خوبی باشم، قول می‌دهم که در آینده‌ای نه‌چندان دور، پزشکی حاذق و کاردان شوم و همراه در تندرستی و شادایی و راست‌قامت‌ات بکوشم. من در این انشا کتباً به تو قول می‌دهم که هر که روزهای با تو بودن را نمی‌داند... هرلحظه خوش که هست در عمر میان همسالانم سربلند کرده‌ای. من هم

## آرین بیات‌پور پایه یازدهم تجربی مجتمع آموزشی غیردولتی امام رضا(ع)، ناحیه یک شیراز

پدرم امروز می‌خواهم نامه‌ای را انشا کنم و حرف‌هایی را که به تو نگفتمت بگویم؛ اما مرا ببخش چون کلمه پدر آن‌قدر عظیم است که دست و زبانم را برای نوشتن می‌بندد.

تو برای من از همه کهکشان‌ها بزرگ‌تر و مهم‌تری. من شیفته و شوریده و شیدای تو‌ام. دیوانه‌وار دوست دارم. دوست دارم که سهراب شاهنامه فرزانه‌ی توست باشم که جانش را به خاطر دیدن پدرش (رستم) از دست داد. آرزویم این است که خنجر عشق تو مرا از پای درآورد. تمام‌روزهایی که با تو‌ام زیباترین روزهای زندگی و شورانگیزترین خاطرات من است و هرروز با شوق بیشتر مرورشان می‌کنم. انتظار برای دیدن صورت زیبایت در روزهایی که من نیستی، شیرین‌ترین انتظار است. ولی شرمسارم اگر هنوز قدر روزهای با تو بودن را نمی‌دانم... هرلحظه خوش که هست در عمر

## مرشد، دانش‌آموز پایه یازدهم مجتمع غیردولتی امام رضا، ناحیه یک شیراز

ازدواج چیست؟ معنی ازدواج یعنی نکاح و به هم پیوستن یک زن و مرد و هم‌بستر شدن و زندگی مشترک این دو، بختل تا آخر عمر؛ اما خب این جرت‌وپرت‌هایی که الان من گفتم مال ازدواج‌های قدیم بود. الان ازدواج‌ها پیشرفت کرده، یعنی دیگه دختره رو به‌زور باباش شوهر نمی‌دن. پسر و دختر باید با هم تفاهم داشته باشن، یعنی دختره می‌پرسه: «ماشین شما چیه؟» پسره می‌گه: «پورشه.» دختره به کم تحت تأثیر قرار می‌گیره و بعد می‌پرسه: «تحصیلات و شغل شما چیه؟» پسره می‌گه: «بعد از تلاش‌ها و درس خواندن‌های فراوان تونستم لیسانس پنج‌گویی کشتی رو بگیرم، اما این پدرم نداشت که تو رشته خودم کار کنم، به‌زور منو با کلی خواهش آورد تو کارخونه خودش و من الان مدیرعامل شرکت بابام هستم. دختره یهو داد می‌زنه: (oh my gosh) ما چه قدر تفاهم داریم. هیچی دیگه، اسم پسرشون می‌ذارن محسن. یک مسئله مهم تو ازدواج، سن ازدواجه که روزبه‌روز داره بالاتر می‌ره، قدیم دختره رو تو سن ۱۶ سالگی شوهرش می‌دادن، یعنی این آدمی که شما می‌بینید به مامانن می‌گه: «واجبات می‌خوام» قبلاً به زندگی رو جمع می‌کرده، الان زنه که چه عرض کنم، پزیزنه رو تو سن ۵۰ سالگی می‌بینی، می‌گی، مادر چرا شما ازدواج نمی‌کنید؟ می‌گه: «وا مگه تو این سن ازدواج می‌کنی؟» که از کوه دراک میشه، به‌صورت زیگزاگ از وسط خونشون رد شه بره تو فاضلاب. هر دو هفته به بار هم به ماشینشون عوض می‌کنند. چو معتقدند خاصیت ماشین تا دو هفته از بین می‌ره. اینجور خانواده‌ها رو به‌محض رویت باید با تیر زد بعد با تبر تیکه تیکشون کرد و بعد انداختشون تو

برعکس ازدواج‌ها که کند پیش می‌ره، طلاق‌ها سرعت گرفته. این مصیبت خانمان‌سوز، چند تا فاکتور و علت داره. یکی این‌که بعضی زن و شوهرها از



نظر هنری با هم توافق ندارند؛ یعنی آقا از سرکار می‌آد، خانومه می‌گه عزیزم می‌دونم خسته‌ای ولی می‌شه کمک کنی این گوشت چرخ کن رو بذارم بالای تلوزیون؟ اگر از دید پرسپکتیو بهش نگاه کنی این به حرکت لیبراله، شوهرش می‌گه: وای تو چه قد سوررنالی؟ آگه از دید رئال بهش نگاه کنی، می‌فهمی که باید تلوزیونو بذاری رو گوشت چرخ کن.

دلیل دوم زیاد شدن طلاق وجود یک سری آدم‌های بی‌شعوره که اینا در قالب معمولاً باجناق یا دوست، خودشون نشون می‌دن. اینجور آدم‌ها پولشون از پارو بالا می‌ره، یعنی هر شش ماه به بار زن و بچه رو ور می‌دارن و یک سفر خارجی می‌رن که خستگی خرید و پاساژگردی خانومه از تنش بیرون بیاد، بعد اینا به ویلای ۲۰۰۰ متری با سونا و جکوزی توی شمال دارن و به خونه ۱۰۰۰ متری توی معالی‌آباد (بالا شهر شیراز) دارن. به پل زدن که این آبی که از کوه دراک میشه، به‌صورت زیگزاگ از وسط خونشون رد شه بره تو فاضلاب.

هر دو هفته به بار هم به ماشینشون عوض می‌کنند. چو معتقدند خاصیت ماشین تا دو هفته از بین می‌ره. اینجور خانواده‌ها رو به‌محض رویت باید با تبر زد بعد با تبر تیکه تیکشون کرد و بعد انداختشون تو

## «چتری به زیر آشوب»



موتورسوارهایی که هرروز جان و سلامتی و اعصاب شهروندان را به هم می‌ریزند، ما مردها هستیم. خانم‌ها فقط قربانی این حوادث تلخ هستند.

بیشتر راننده‌هایی که در جاده پشت فرمان خوابشان می‌برد و دیگران را به کشتن می‌دهند، مرد هستند.

کسانی که مجوز قطع درخت‌های شهر را صادر می‌کنند تا به‌جای آن مرکز خرید احداث شود، مرد هستند. کدام زن دلش می‌آید که چنین مجوزی صادر کند؟! آن‌هایی که از صبح تا شب در خیابان و تلویزیون و اینستاگرام و تلگرام به خانم‌ها متلک می‌پراندند، مرد هستند. ولی خیلی از ما فقط از نظر خودمان مرد هستیم، نه دیگران!

ما مرد خودمان هستیم، نه مرد همسر یا فرزندانمان!

فرمان خودم، مردهای مغروری هستیم که هر کاری دلمان بخواهد انجام می‌دهیم و هیچ‌وقت نمی‌فهمیم مرد واقعی بودن، چه معنایی دارد.

## پوریا علی‌نژاد پایه یازدهم رشته ریاضی مجتمع غیردولتی امام رضا(ع)، ناحیه یک شیراز

مرد بودن، به این معنی نیست که انسانی ریش و سبیل و هیکل درشت و صدای کلفت داشته باشد.

مرد کسی است که وقتی می‌بیند خانواده‌اش حتی در روز تعطیل هم به خاطر بلندگویی وانت دوره‌گرد آسایش ندارند، آستین بالا می‌زند و کاری انجام می‌دهد یا به دنبال یک راه‌حل می‌گردد، نه این‌که مقابل کولر دراز بکشد و بگوید: «این مملکت هیچ‌وقت درست نمیشه!»

بیشتر مضلات جامعه ایرانی را ما مردها با بی‌خیالی و بی‌مسئولیتی و تنبلی خودمان به وجود آورده‌ایم.

بدین وسیله به آقای علی محمد نژاد فرزند غلامعلی در حال حاضر مجهول‌المکان میباشد ابلاغ میگردد که به اتهام دادر کردن مکان جهت استعمال مواد مخدر و نگهداری دو گرم و پنجاه سانت شیشه و پنجاه و چهار گرم سوخته تریاک و یک عدد بایب در پرونده شماره کلاسه ۹۶۰۶۱۷ شعبه پنجم دادگاه انقلاب اسلامی شیراز تحت پیگرد قانونی بوده و وقت رسیدگی به اتهام ایشان برای روز دوشنبه ۹۷/۳/۲۰ ساعت ۱۱ صبح تعیین شده است لذا در وقت مقرر فوق جهت دفاع از اتهام انسانی در این دادگاه حاضر شوید لازم به ذکر است که در صورت عدم حضور پس از یک ماه تاریخ انتشار این آگهی تصمیم‌گیری اتخاذ می‌گردد. ۲۷۸۳/م الف ۲۶۷۴

مدیر دفتر دادگاه کیفری شعبه پنجم دادگاه انقلاب شیراز ۲۷۸۳/م الف ۲۶۷۴

آگهی حصر وراثت  
خاتم فاطمه شهیکی زاده دارای شماره ملی ۳۱۱۰۹۶۶۴۱۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷۰۱۲۹ ش ۴ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی نرماشیری به شماره ملی ۳۵۸۰۷۲۳۱۵۴ در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ در اقامتگاه دایمی خود بدهود زندگی گفته ورته حین الفوت آن مرحوم منصر است به: ۱- عبدالرحمن نرماشیری فرزند پیرمحمد ش ملی ۳۵۹۰۵۵۸۱۴۸-۱۳۵۱ صادره از ایرانشهر پدر متوفی ۲- فاطمه شهیکی زاده فرزند نجات ش ملی ۳۱۱۰۹۶۶۴۱۷-۱۳۵۴ صادره از حوزه یم مادر متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به این شورا مراجعه و تقدیم نماید والا گواهی صادر خواهد شد. ۲۰۶/م الف ۷/۱۷۹

زمانی بخش - رئیس شعبه چهارم شورای حل اختلاف کازرون

آگهی موضوع ماده ۴ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی  
برابر رأی شماره ۹۷۰۰۲۹۵ ش ۴ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی نرماشیری به شماره ملی ۳۵۸۰۷۲۳۱۵۴ در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ در اقامتگاه دایمی خود بدهود زندگی گفته ورته حین الفوت آن مرحوم منصر است به: ۱- عبدالرحمن نرماشیری فرزند پیرمحمد ش ملی ۳۵۹۰۵۵۸۱۴۸-۱۳۵۱ صادره از ایرانشهر پدر متوفی ۲- فاطمه شهیکی زاده فرزند نجات ش ملی ۳۱۱۰۹۶۶۴۱۷-۱۳۵۴ صادره از حوزه یم مادر متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به این شورا مراجعه و تقدیم نماید والا گواهی صادر خواهد شد. ۲۰۶/م الف ۷/۱۷۹

رئیس ثبت بیهان - کاظمی

بدینوسیله به آقای حمید جشدیدی فرزند خاتباخ که به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۱۱۸۱۰۱۷۵۶ مورخ ۹۶/۱۰/۲۳ پرونده کلاسه ۹۶۰۹۴۰ به اتهام حمل و نگهداری تریاک به تحمل ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و پرداخت مبلغ نازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم گردیده است ابلاغ می‌شود. چنانچه نسبت به حکم صادره اعتراض دارند ظرف بیست روز از تاریخ انتشار این آگهی درخواست خود را به این مرجع واقع در بلوار جدید قرآن روبروی لوناپارک تسلیم نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مهلت مقرر طبق مقررات قانونی اقدام خواهد شد. ۲۷۸۳/م الف ۲۶۷۴

آگهی ابلاغ دادنامه کیفری  
بدینوسیله به آقای حمید جشدیدی فرزند خاتباخ که به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۱۱۸۱۰۱۷۵۶ مورخ ۹۶/۱۰/۲۳ پرونده کلاسه ۹۶۰۹۴۰ به اتهام حمل و نگهداری تریاک به تحمل ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و پرداخت مبلغ نازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم گردیده است ابلاغ می‌شود. چنانچه نسبت به حکم صادره اعتراض دارند ظرف بیست روز از تاریخ انتشار این آگهی درخواست خود را به این مرجع واقع در بلوار جدید قرآن روبروی لوناپارک تسلیم نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مهلت مقرر طبق مقررات قانونی اقدام خواهد شد. ۲۷۸۳/م الف ۲۶۷۴

آگهی درخواست حصر وراثت  
آقای سیدعلی موسوی دارای شناسنامه شماره ۷۲۳ به شرح دادخواست به کلاسه - از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان سید عبدالجسین موسوی به شماره شناسنامه ۱ در تاریخ ۹۶/۱۰/۱۶ در اقامتگاه دایمی خود در هرج بدهود حیات گفته ورته حین الفوت آن مرحوم منصر است به: ۱- سیده سکینه موسوی متولد ۱۳۳۸/۱/۲ ش ۱۰ صادره از مهر ۲- سید علی موسوی متولد ۱۳۶۳/۱/۱۰ ش ۷۴۳ صادره از مهر ۳- سیده لیلی موسوی متولد ۱۳۵۸/۵/۵ ش ۴۷۲۳۳۳۳۱۶۹ صادره از مهر ۴- سیده زهرا موسوی متولد ۱۳۶۲/۴/۳۰ ش ۶۵۷۹۹۲۲۸۲۶ صادره از مهر ۵- سیده صدیقه موسوی متولد ۱۳۶۵/۲/۱۹ ش ۱۵۸ صادره از مهر ۶- سیده طاهره موسوی متولد ۱۳۶۸/۴/۱۴ ش ۱۳۶۸/۴/۱۴ ش ۲۵۰۰۲۷۹۹۶ صادره از مهر و مرحوم ورته دیگری ندارد، اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استاد ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف یک ماه به این شعبه تقدیم نماید. والا گواهی صادر خواهد شد. ۲۶۷۳/۱۶۱۹۵

رئیس حوزه قضایی مهر شورای حل اختلاف اسیر